

## تحلیل آراء و روش‌های حدیث‌شناختی محمدباقر بهبودی در کتاب صحیح‌الکافی با تاکید بر کتاب علل‌الحدیث

فروغ مرادیان<sup>۱</sup>

حمیدرضا مستفید<sup>۲</sup>

جواد علاءالمحدثین<sup>۳</sup>

مریم حاجی عبدالباقی<sup>۴</sup>

### چکیده

محمدباقر بهبودی، حدیث‌پژوه سخت‌کوشی بود که عمر خود را به تصحیح، تحقیق و تعلیق متون حدیث شیعه سپری کرد و از این رهگذر نقادی کارآزموده در شناسایی حدیث سره از ناسره گردید. این پژوهش به منظور بررسی مبانی و اندیشه‌های حدیث‌شناختی محمدباقر بهبودی با تاکید بر کتاب علل‌الحدیث انجام یافته و برآنست تا از راه کاوش در آثار ایشان، ویژگی‌ها و روش‌های حدیث‌شناختی این محدث بزرگوار را بررسی و شناختی از آراء و اندیشه‌هایش ارائه دهد. همت پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده، تلاش در جهت تبیین روش بهبودی در دو حوزه سند و متن از خلال آثار و تعلیقه‌های وی بر احادیث، می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که روش استاد در بررسی متنی حدیث شامل مواردی از قبیل: عرض حدیث بر قرآن کریم و سنت مقطوع، نقد حدیث بر اساس ضروریات مذهب و تاریخ معتبر، مقابله و مقایسه متن احادیث برای یافتن موارد تصحیف، تحریف و زیادات، توجه به ادبیات و نحوه سخن ائمه می‌باشد. همچنین روش ایشان در بررسی سندی حدیث شامل مواردی از جمله: فراهم کردن نسخه‌های متعدد و مقابله اسانید روایات، توجه به طبقه راویان، توجه به روش صاحبان کتب اربعه در تدوین جوامع حدیثی و بررسی‌های رجالی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مطالعات حدیث‌شناختی، محمدباقر بهبودی، صحیح‌الکافی، علل‌الحدیث.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

[forogh.moradian@yahoo.com](mailto:forogh.moradian@yahoo.com)

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال [hr.mostafid@yahoo.com](mailto:hr.mostafid@yahoo.com)

<sup>۳</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال [jmoh\\_85@yahoo.com](mailto:jmoh_85@yahoo.com)

<sup>۴</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

## مقدمه

پس از قرآن کریم، مهم‌ترین و معتبرترین مرجع در شناخت احکام و معارف دین احادیث معصومین (ع) می‌باشد، که به عنوان ارزشمندترین میراث تشیع به شمار می‌رود. لکن علیرغم اهمیت و جایگاه والای آن، تاریخ حدیث نشان می‌دهد که برخی احادیث به دلایل مختلف از جمله جعل، تحریف، تصحیف و تقطیع، دچار اشکال شده است.<sup>۱</sup> علاوه بر این، اشکالات ناشی از استنساخ، نقل به معنا و بد فهمیدن حدیث و... بر میزان اعتبار، اصالت و خلوص برخی از احادیث تأثیر زیادی گذاشته است و اگر چه تلاش‌های فراوانی از سوی اصحاب ائمه (ع) و محدثین در طول تاریخ در گزینش احادیث صحیح انجام گرفت، اما باز هم از نظر برخی حدیث‌شناسان کتب، کتب حدیثی - حتی کتب اربعه - خالی از اشکال نیست.

ذکر این نکته ضروری است که حتی عالمان ما نیز در عصر حاضر، همچون گذشتگان، خود را از این مسئولیت خطیر، فارغ ندیده و تمام تلاش و همت خویش را، در رفع هر گونه علت و آسیب از این گوهر گرانبها، برگماشته‌اند. ولی با تمام تلاشهای صورت گرفته از جانب بزرگان محدث، شاهد برخی آسیبها در احادیث هستیم؛ که در طول زمان و با گذشت قرن‌ها از زمان صدور آن، بر پیکره روایات وارد شده است. لذا ضرورت پژوهش در زمینه متون حدیثی و بررسی و تصحیح آن، امری غیر قابل انکار است. به عبارت دیگر یکی از بایسته‌های پژوهشی در رشته علوم حدیث بررسی روش شناسانه‌ی آثار علمی پژوهشگران این عرصه است؛ بدین معنا که در جهت فهم و استفاده‌ی بهتر و بیشتر از آثار پژوهشگران لازم است این آثار از بعد روش - شناسی، تحلیل و ارزیابی گردد؛ یکی از حدیث‌پژوهان معاصر که عمر خود را در زمینه تصحیح، تحقیق و نقد حدیث صرف کرده و آثار زیادی از خود بجای گذاشته است، محمدباقر بهبودی می‌باشد که سالهای طولانی به کار تصحیح و مقابله و تحقیق متون حدیث شیعه پرداختند.

اگر چه وجوه مشترکی بین روش ایشان و روش‌های قبل از ایشان می‌توان یافت، اما نوآوری‌های ایشان در این زمینه چه از بعد کمی و چه از لحاظ کیفی قابل توجه است به گونه‌ای که تحلیل و تبیین ارا و اندیشه‌های حدیث‌شناختی ایشان در مطالعه حدیث می‌تواند راهگشای بسیاری از رهروان این وادی باشد.

محمدباقر بهبودی صاحب آثار و تعلیقاتی در حوزه حدیث است و تمرکز ایشان در حوزه مطالعات اسلامی بیشتر بر مدار حدیث است. نتایج فعالیت‌های علمی ایشان، همواره موافقان و مخالفانی داشته است. برای فهم و بررسی دیدگاه ایشان در حوزه حدیث‌شناختی بهترین راه بررسی روش شناسانه ایشان است؛ بدین معنا که ایشان از چه روشهایی برای مطالعات حدیثی و پالایش احادیث استفاده می‌کند. این پژوهش بر آنست تا با تحلیل و تبیین ارا و اندیشه‌های حدیث‌شناختی ایشان در حوزه مطالعات حدیثی، خلاء مذکور را پر کند.

<sup>۱</sup>. پاکتچی، ۱۳۸۷، ص ۱۷؛ معارف، ۱۳۷۷، ص ۶۷

## روش مطالعات حدیث‌شناختی محمدباقر بهبودی

مطالعات حدیثی، در مجموع به تمام مباحث، علوم و معارف و فعالیت‌هایی که پیرامون حدیث انجام می‌گیرد، گفته می‌شود. می‌توان گفت که علم حدیث علم به قوانینی است که به وسیله‌ی آن احوال سند و متن حدیث شناخته می‌شود. که همه مباحث تاریخ حدیث، درایه‌الحدیث، علل‌الحدیث، فقه‌الحدیث و رجال را در بردارد.<sup>۱</sup> مهمترین روش‌های مطالعات حدیث‌شناختی بهبودی، عبارتند از:

### الف) مطالعات حدیث‌شناختی در حوزه متن حدیث

منظور از مطالعه متن محور، بررسی و ارزیابی متن یک حدیث بدون در نظر گرفتن سند و اتصال زنجیره سند می‌باشد و آن ارزیابی‌ای است که صرفاً بر اساس متن حدیث صورت می‌پذیرد. در اینجا به برخی از مهمترین روش‌های حدیث‌شناختی محمدباقر بهبودی در حوزه صحت و اعتبار متن حدیث اشاره می‌نماییم:

#### ۱) مقایسه با قرآن

یکی از عوامل مهم که نشان دهنده ضعف متن یک روایت است، تضاد و تنافی آن با قرآن می‌باشد. از این رو یکی از معیارهای مهم برای نقد متن حدیث، سنجیدن عدم مخالفت محتوای حدیث با قرآن است. چنانکه از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمود: «هرگاه شما را حدیثی رسد، آن را بر کتاب خدا و سنت من عرضه کنید، آنچه را موافق کتاب و سنت من یافتید، بدان تمسک جوید و آنچه را مخالف کتاب خدا و سنت من دانستید، رها کنید».<sup>۲</sup> بنابراین یکی از معیارهای پذیرش حدیث در ارزیابی متنی، توافق آن با «کتاب الله» می‌باشد. بهبودی نیز می‌گوید: «با توجه به آنچه در برخی مصادر آمده که: «ما وافق القرآن فخذوه و ما خالف القرآن فردوه» یا «و ما خالف القرآن لم نقله» باید احادیث را بر قرآن و سنت عرضه نمود».<sup>۳</sup> استاد بهبودی این معیار مهم نقد حدیث را همواره مورد توجه قرار داده است و هر کجا به نقد محتوایی حدیث می‌پردازد از پرداختن به این معیار غفلت نمی‌ورزد. در اینجا یک نمونه از احادیث مخالف قرآن در کتاب علل‌الحدیث را ذکر می‌کنیم:

به عنوان مثال:

کلینی به اسنادش از سیف بن ابی عمیر از امام صادق (ع) روایت کرده است در مورد استفاده از کنیز زن و مرد که استفاده از کنیز زن بدون اجازه او جایز است اما استفاده از کنیز مرد بدون اجازه او جایز نیست.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَتَمَتَّعَ الرَّجُلُ بِأَمَةِ الْمَرْأَةِ فَأَمَّا أَمَةُ الرَّجُلِ فَلَا يَتَمَتَّعُ بِهَا إِلَّا بِأَمْرِهِ»<sup>۴</sup>  
مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَتَمَتَّعَ الرَّجُلُ بِأَمَةِ الْمَرْأَةِ فَأَمَّا أَمَةُ الرَّجُلِ فَلَا يَتَمَتَّعُ بِهَا إِلَّا بِأَمْرِهِ»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> مدیرشانه چی، ۱۳۸۴، ص ۴۰

<sup>۲</sup> مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ح ۶

<sup>۳</sup> ر.ک: بهبودی، ۱۳۸۱، ص ۷۸

<sup>۴</sup> کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۶۴

<sup>۵</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۵۸

استاد بهبودی با بررسی حدیث می‌گویند که «این حدیث مخالف قرآن است که می‌فرماید: (فَانكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ)». پس وقتی روایتی مخالف با صریح قرآن است، نباید به آن التفات کرد.<sup>۱</sup>

## ۲) مقایسه با سنت صحیح و مسلمات مذهب

یکی دیگر از عوامل نشان دهنده ضعف متن یک روایت، تضاد و تنافی آن با سنت صحیح و مسلمات مذهب است. از این رو یکی از معیارهای نقد متن حدیث، عدم مخالفت محتوای حدیث با این ارکان است. به عنوان مثال:

«الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ وَصِيِّ عَلِيِّ بْنِ السَّرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَ إِذَا عَلِيٌّ بَنَ السَّرِيَّ تَوَفَّى فَأَوْصَى إِلَيَّ فَقَالَ رَحِمَهُ اللَّهُ قُلْتُ وَإِنَّ ابْنَهُ جَعْفَرَ بْنَ عَلِيٍّ وَقَعَ عَلَيَّ أُمَّ وَكَدِّ لَهُ فَأَمَرَنِي أَنْ أُخْرِجَهُ مِنَ الْمِيرَاثِ قَالَ فَقَالَ لِي أُخْرِجُهُ مِنَ الْمِيرَاثِ وَإِنْ كُنْتُ صَادِقًا فَسَيْبِيهِ خَبَلٌ قَالَ فَرَجَعْتُ فَقَدَمَنِي إِلَيَّ أَبِي يُوسُفَ الْقَاضِي فَقَالَ لَهُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بَنَ السَّرِيِّ وَ هَذَا وَصِيُّ أَبِي فَمُرْهُ فَلْيَدْفَعْ إِلَيَّ مِيرَاثِي مِنْ أَبِي فَقَالَ أَبُو يُوسُفَ الْقَاضِي لِي مَا تَقُولُ فَقُلْتُ لَهُ نَعَمْ هَذَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بَنَ السَّرِيِّ وَأَنَا وَصِيُّ عَلِيٍّ بَنَ السَّرِيِّ قَالَ فَادْفَعْ إِلَيْهِ مَالَهُ فَقُلْتُ أُرِيدُ أَنْ أَكَلِّمَكَ قَالَ فَادْنُ إِلَيَّ فَدَنَوْتُ حَيْثُ لَا يَسْمَعُ أَحَدٌ كَلَامِي فَقُلْتُ لَهُ هَذَا وَقَعَ عَلَيَّ أُمَّ وَكَدِّ لِأَبِيهِ فَأَمَرَنِي أَبُوهُ وَأَوْصَى إِلَيَّ أَنْ أُخْرِجَهُ مِنَ الْمِيرَاثِ وَ لَا أُوْرَثُهُ شَيْئًا فَأَتَيْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ بِالْمَدِينَةِ فَأَخْبَرْتُهُ وَ سَأَلْتُهُ فَأَمَرَنِي أَنْ أُخْرِجَهُ مِنَ الْمِيرَاثِ وَ لَا أُوْرَثُهُ شَيْئًا فَقَالَ اللَّهُ إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَ أَمَرَكَ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَاسْتَحْلَفَنِي ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ لِي أَنْفِذْ مَا أَمَرَكَ بِهِ أَبُو الْحَسَنِ عَ فَالْقَوْلُ قَوْلُهُ قَالَ الْوَصِيُّ فَأَصَابَهُ الْخَبَلُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْوَشَاءُ فَرَأَيْتَهُ بَعْدَ ذَلِكَ وَ قَدْ أَصَابَهُ الْخَبَلُ.<sup>۲</sup>

استاد بهبودی می‌گویند: «متن این حدیث کلاً از زبان راوی یعنی همان وصی علی بن السری حکایت شده است و عمل او را در مورد محروم کردن جعفر پسر متوفی توجیه می‌کند در حالی که صد درصد بر خلاف موازین شرع است و به سود همین وصی است که با اُم و ولد متوفی منافع مشترک داشته‌اند. فرمایش امام کاظم «ان كنت صادقاً فسَيْبِيهِ الْخَبَلُ» از دو جهت مورد خدشه و تردید است: اولاً وارد کننده اتهام زنا باید علی بن السری پدر جعفر باشد و لذا به وصی خود سفارش می‌کند که او را از میراث او محروم سازد، در حالی که امام کاظم (ع)، صدق و کذب را به شخص وصی مستند می‌سازد و در عین حال صداقت او را قطعی نمی‌شمارد. در واقع امام کاظم (ع) باید گفته باشد: «ان كان علي بن السري صادقاً» نه آنکه بگوید: «فان كنت صادقاً». ثانياً جمله «سَيْبِيهِ الْخَبَلُ» گواهی می‌دهد که اصابه خبل باید یک قانون کلی باشد، در حالی که چنین نیست و فراوانند کسانی که با محارم خود زنا می‌کنند و مجنون و مخبل نمی‌شوند. این حدیث از جهات دیگری نیز مشکل دارد از جمله آنکه باید گفت: علی بن السری با چه دستاویزی و با چه حدیث و فتوایی به خود حق داده است که اجرای چنین وصیتی را از وصی خود خواهان شود. اگر این سخن درست باشد، علی بن السری با این وصیت خود که بر خلاف نص صریح قرآن و بر خلاف اجماع اُمت اسلامی است کافر و فاسق شده است و وجهی برای اجرای

<sup>۱</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۳

<sup>۲</sup> کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۶۱؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۲۳۵؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۱۹

این وصیت وجود ندارد گرچه جعفر با مادر ناتنی خود زنا کرده باشد، زیرا مادام که زناى او با کنیز پدرش در محکمه قضا ثابت نشود و چهار تن بر آن گواهی ندهند، هیچ گونه کیفری شامل حال او نخواهد بود. حتی اگر فرض کنیم که جعفر فرزند واقعی علی بن السری نباشد باز هم محرومیت او از میراث، خلاف حکم اسلام است چرا که رسول خدا (ص) فرموده است: «الولد للفراش» و همگان باید جعفر را فرزند متوفی بشناسند و ارث او را محترم بدانند مگر آنکه علی بن السری با اجرای مراسم لعان فرزندى او را از خود سلب کرده باشد که چنین چیزی از جانب او و یا از جانب وصی او مطرح نشده است. گواه بر کذب این دعاوی آن است که چگونه ابویوسف قاضی صاحب ابی حنیفه، سخن وصی را می پذیرد و روایت او را فقط به پشتوانه قسم حکم قرار می دهد و فتوای منقول از امام کاظم (ع) را به اجرا می گذارد در حالی که شیعیان اگر قاضی باشند، چنین نخواهند کرد.<sup>۱</sup>

## ۲) مقایسه با اجماع

در نظر استاد بهبودی متن حدیثی که مخالف اجماع باشد، از اعتبار برخوردار نیست هر چند سند آن معتبر باشد و این دسته از روایتها را علیل می شمارد.

به عنوان مثال:

«ابن محبوب عن مالک بن عطیه عن ابيه عن سلمة بن كهيل قال اتى امير المؤمنين ع برجل قد قتل رجلاً خطأ فقال له امير المؤمنين ع من عشيرتك و قرابتك فقال ما لى بهذه البلدة عشيرة و لا قرابة قال فقال فمن اى اهل البلد انت فقال انا رجل من اهل الموصل و لدت بها و لى بها قرابة و اهل بيت قال فسأل عنه امير المؤمنين ع فلم يجد له بالكوفة قرابة و لا عشيرة قال فكتب الى عامله على الموصل اما بعد فان فلان بن فلان و حليته كذا و كذا قتل رجلاً من المسلمين خطأ فذكر انه رجل من الموصل و ان له بها قرابة و اهل بيت و قد بعثت به اليك مع رسولى فلان بن فلان و حليته كذا و كذا فاذا ورد عليك ان شاء الله و قرأت كتابى فاحص عن امره و سل عن قرابته من المسلمين فان كان من اهل الموصل ممن ولد بها و اصبت له بها قرابة من المسلمين فاجمعهم اليك ثم انظر فان كان منهم رجل يرثه له سهم فى الكتاب لا يحجبه عن ميراثه احد من قرابته فالرمة الدية و خذه بها نجوماً فى ثلاث سنين فان لم يكن له من قرابته احد له سهم فى الكتاب و كانوا قرابته سواء فى النسب و كان له قرابة من قبل ابيه و امه فى النسب سواء ففض الدية على قرابته من قبل ابيه و على قرابته من قبل امه من الرجال المدركين المسلمين ثم اجعل على قرابته من قبل ابيه ثلثى الدية و اجعل على قرابته من قبل امه ثلث الدية و ان لم يكن له قرابة من قبل ابيه ففض الدية على قرابته من قبل امه من الرجال المدركين المسلمين ثم خذهم بها و استأدهم الدية فى ثلاث سنين فان لم يكن له قرابة من قبل امه و لا قرابة من قبل ابيه ففض الدية على اهل الموصل ممن ولد بها و نشأ و لا تدخلن فيهم غيرهم من اهل البلد ثم استأد ذلك منهم فى ثلاث سنين فى كل سنة نجماً حتى تستوفيه ان شاء الله و ان لم يكن لفلان بن فلان قرابة من اهل الموصل و لا يكون من اهلها و كان مبطلاً فردة الى مع رسولى فلان بن فلان ان شاء الله فانا و ليته و المؤدى عنه و لا ابطال دم امرئ مسلم.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۲۱

<sup>۲</sup> کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۶۴؛ فقیه، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۳۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۷۱

بر اساس اجماع مسلمانان در مورد جنایات عمدی و شبه عمدی، پرداخت دیه مقتول برعهده خود مرتکب است اما در جنایت خطای محض، در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده عاقله<sup>۱</sup> است. با وجود این در مواردی، دیه از بیت المال پرداخت می شود که هدف قانونگذار از اینکه پرداخت دیه را در شرایطی خاص، بر عهده بیت المال قرار داده، پیروی از این نظریه اسلامی است که خون مسلمان نباید هدر برود.<sup>۲</sup>

بهبودی در ذیل حدیث بالا می گویند: «متن این حدیث در مورد حکم دیه مقتول است و دیه مقتول را بر مردم شهری تحمیل کرده که قاتل در آنجا به دنیا آمده است. ایشان معتقد است این حدیث علاوه بر سند علیل، حکم آن مخالف اجماع مسلمانان است؛ زیرا دیه قتل خطا بر وارث قاتل است، از جمله، برادران، عموها و دایی ها و پسرانشان. آنان باید ظرف سه سال دیه را تأدیه کنند و اگر استطاعت نداشته باشد، دیه از بیت المال مسلمانان پرداخت می شود.»<sup>۳</sup>

بهبودی در این زمینه نیز حدیث صحیحی را در کتاب صحیح الکافی آورده است که در آن حکم حدیث موافق با اجماع علما و خلاف حدیث بالا است.<sup>۴</sup>

### ۳) توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در فهم حدیث

یکی از مبانی فهم و نقد حدیث، بررسی ارتباط آن با شرایط تاریخی عصر صدور است. شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر صدور حدیث به طور عام و اسباب صدور یا ورود احادیث به طور خاص از عوامل مهم در فهم و نقد روایات بوده و از قراین مفصل به شمار می روند. بی توجهی به ارتباط حدیث و تاریخ سبب فهم ناقص بسیاری از روایات شده است. از طرفی از جمله عوامل ضعیف دانستن حدیث، مخالفت آن با واقعیات تاریخی زمان صدور است. تاریخ صحیح عاملی مناسب جهت انکار برخی از روایات و وقایع است که به عنوان حدیث یا واقعه ای طبیعی خود را تثبیت کرده و گاه در دل جوامع بزرگ روایی قرار گرفته اند.<sup>۵</sup>

بهبودی از این قاعده در فهم احادیث استفاده کرده و برخی از روایات را با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر صدور حدیث مورد نقد قرار داده است. ایشان در این زمینه حدیثی را می آورد که در باب آداب حمام و بیت الخلاء وارد شده است. مانند:

<sup>۱</sup> عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که حین الفوت می توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود .

**تبصره ۵:** کسی که با عقد ضمان جریره، دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته است نیز عاقله محسوب می شود.

<sup>۲</sup> بروجرودی، ۱۳۸۶، ج ۳۱؛ ص ۷۶۷

<sup>۳</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۳

<sup>۴</sup> بهبودی، ۱۴۰۱، ج ۳، ۳۵۱

<sup>۵</sup> ر.ک: معارف، ۱۳۸۷، صص ۱۶۷-۱۶۳

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْخُلُ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمَنْزَرٍ»<sup>۱</sup>

بهبودی، این روایت را به نقل از پیامبر می‌آورد که «فرموده است هر که به خدا و روز قیامت ایمان آورده است، بدون لنگ به حمام وارد نمی‌شود، و می‌گوید: اگر با تاریخ صدر اسلام و احادیث ابواب طهارت آشنا باشیم، می‌دانیم که در زمان خدا رسول خدا(ص) حمام و مستراحی وجود نداشت و مردم برای رفع حاجت به پشت بام-ها، پشت درخت‌ها، کنار دیوار، خرابه‌ها و نخلستان‌های متروکه می‌رفتند. ایشان می‌خواهد نشان دهد متن حدیث مورد نظر با فرهنگ آن عصر انطباق ندارد و راوی نمی‌تواند این مطالب را از رسول خدا بیان کند و این رشته احادیث فریقین علیل و بی‌اعتبار است و همچنین آن دسته از روایاتی که در آنها از تعبیری چون کرایس و مراجیص استفاده شده است به گفته بهبودی، آثار تمدن شام است که با فتح آن در زمان‌های بعد به عربستان را یافت. از اینرو این روایات با شواهد تاریخی انطباق ندارد»<sup>۲</sup>.

#### ۴) مقایسه و مقابله احادیث مشابه در کتب حدیثی

بهبودی، از طریق مقابله احادیث دارای متن مشابه یا متن و سند مشابه شناسایی به این نتایج رسیده است:

#### الف) کشف تصحیف و تحریف در متن حدیث

گاهی عوامل مختلفی مانند اشتباه یا عدم دقت کاتبان یا راویان، متن حدیث را دچار تصحیف و تحریف می‌کنند. لیکن بهبودی، تصحیف و تحریف متن حدیث را از طریق مقابله احادیث دارای متن مشابه یا متن و سند مشابه و همچنین بررسی سیاق ادبی متن و سیر منطقی کلام در حدیث، شناسایی و در صورت امکان اصلاح می‌نماید. به عنوان مثال:

مثال اول:

۱) «ابن محبوب عن أبي أيوب عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا جعفر ع - عن مكاتب قتل رجلاً خطأ قال فقال إن كان مولاة حين كاتبه اشترط عليه إن عجز فهو رد في الرق فهو بمنزلة المملوك يدفع إلى أولياء المقتول فإن شاءوا قتلوا وإن شاءوا باعوا...»<sup>۳</sup>

۲) «وروى ابن محبوب عن أبي أيوب عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا جعفر ع عن مكاتب قتل رجلاً خطأ فقال إن كان مولاة حين كاتبه اشترط عليه أنه إن عجز فهو رد إلى الرق فهو بمنزلة المملوك يدفع إلى أولياء المقتول فإن شاءوا استرقوا وإن شاءوا باعوا...»<sup>۴</sup>

این حدیث با این لفظ و صورتی که در کتاب الفقیه وارد شده است صحیح و بی‌اشکال است ولی

<sup>۱</sup> رسول خدا (ص) فرموده‌اند: هر کس به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده است بدون بستن لنگ به گرمابه نمی‌رود.

<sup>۲</sup> کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۹۷ و ۵۰۲

<sup>۳</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۱۶

<sup>۴</sup> کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۰۸؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۹۹

<sup>۵</sup> صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۲۸

در نسخه کافی و تهذیب، کلمه «فإن شاؤوا استرقّوه» به صورت: «فإن شاؤوا قتلوا» تصحیف شده است؛ زیرا در قتل خطا، قاتل قصاص نمی‌شود.<sup>۱</sup>

### ب) کشف زیادت، الحاقات و توضیحات در حدیث

از آسیب‌هایی که حدیث را در فرایند انتقال تهدید می‌کند، زیادت حدیث است. در این آسیب، حجم و اندازه روایت بیشتر می‌شود. به این معنا که یک حرف، واژه یا عبارتی به روایت افزوده می‌شود که فکر می‌کنیم افزایش، جزء حدیث است اما با نگاهی عمیقتر و با به کارگیری ابزارهایی، می‌توان بخش افزوده را از متن اصلی تشخیص داد و آن را به صورت اولیه خویش بازگرداند. این آسیب در متن و سند روایات رخ می‌دهد. به عنوان نمونه:

«وَعَنْهُ عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ كَيْفَ الْمُلَاعَنَةُ قَالَ يَقْعُدُ الْإِمَامُ وَيَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَيَجْعَلُ الرَّجُلَ عَنْ يَمِينِهِ وَالْمَرْأَةَ عَنْ يَسَارِهِ»<sup>۲</sup>.

بهبودی این نقل از حدیث را با نقل کتاب الفقیه مقابله می‌کند و می‌گوید این حدیث در کتاب فقیه با یک کلمه زائد روایت شده است؛ که این کلمه زائد «و الصبی» است.<sup>۴</sup>

«وَسَأَلَ الْبَزْنَطِيُّ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَاعَ فَقَالَ لَهُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ كَيْفَ الْمُلَاعَنَةُ قَالَ يَقْعُدُ الْإِمَامُ وَيَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَيَجْعَلُ الرَّجُلَ عَنْ يَمِينِهِ وَالْمَرْأَةَ وَالصَّبِيَّ عَنْ يَسَارِهِ»<sup>۵</sup>

### ۵) توجه به موارد تکراری در کتب حدیث

در نظر بهبودی، یکی از روش‌های نقد احادیث، بررسی حدیث از جهت تکرار بی جا است. به عنوان نمونه:

۵۷۳- مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ محبوب عَنْ عَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِلَى مَتَى يَكُونُ لِلْحَاجِّ عُمْرَةٌ قَالَ إِلَى السَّحَرِ مِنْ لَيْلَةِ عَرَفَةَ.<sup>۶</sup>

این حدیث به فاصله سه حدیث با همین سند در ج ۵ ص ۱۷۲ رقم ۵۷۳ و ۵۷۷ تکرار شده است

۵۷۷- وَعَنْهُ عَنْ حَسَنِ بْنِ عَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِلَى مَتَى يَكُونُ لِلْحَاجِّ عُمْرَةٌ قَالَ فَقَالَ إِلَى السَّحَرِ مِنْ لَيْلَةِ عَرَفَةَ.<sup>۷</sup>

### ۶) توجه به ادبیات و نحوه سخن ائمه (ع)

روش دیگری که در ارزیابی و بررسی حدیث مورد بررسی قرار می‌گیرد. توجه به ادبیات و نحوه سخن ائمه (ع) است که یکی از روش‌های بهبودی در امر تشخیص حدیث و به اعتقاد ایشان یکی از موجبات بی

<sup>۱</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۷

<sup>۲</sup> بزنتی از حضرت رضا علیه السلام پرسید و گفت: خداوند شما را بسلامت بدارد کیفیت لعان چیست؟ حضرت فرمود: امام پشت بقبله می‌نشیند و مرد را در جانب راست و زن را در جانب چپ خود می‌نشانند.

<sup>۳</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۹۱؛ و نیز ر.ک. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۶۵

<sup>۴</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۵

<sup>۵</sup> صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۳۶

<sup>۶</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۷۲

<sup>۷</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۷۲



اعتبار شدن حدیث می‌باشد. به نظر بهبودی «این شیوه سخن‌پردازی فراوان مورد استفاده قرار گرفته است و امامان معصوم (ع) که هماره در تقیه و استتار بسر می‌برده‌اند، به هنگام لزوم، شیوه تعریض را بکار می‌بسته‌اند و از جمله با طرح مسائل جنبی و پرداختن به موضوعات غیر ضروری و خارج از مبحث، شیعیان را به رمز و راز تقیه واقف می‌ساخته‌اند و آنان خود با توجه به فقاہت اصیل علمی با فتوای واقعی آشنا می‌شده‌اند و لا اقل از عمل به آن حدیث تقیه‌آمیز پرهیز می‌کرده‌اند.»<sup>۱</sup> بهبودی در این زمینه مثال‌های متعددی را طرح می‌کند؛ که حاوی فتوای تقیه‌آمیز ائمه (ع) است. به نظر وی حدیثی که دچار تعریض<sup>۲</sup> است، از حجیت ساقط می‌باشد.<sup>۳</sup> در اینجا نمونه‌هایی از ادبیات خاص ائمه (ع) که بهبودی در تضعیف احادیث به کار برده است، را ذکر می‌کنیم:

### الف) خودداری امام (ع) از جواب مستقیم و رسمی

در نظر بهبودی یکی از انواع تعریض، طفره رفتن از جواب مستقیم یا طرح مسائل بی‌ربط است، بدین معنا که امام در مقابل سؤال راوی با طرح مسائل بی‌ربط یا نقل یک ماجرای مشابه از جواب دادن مستقیم و صریح به سؤال کننده طفره می‌رود تا فرد خود متوجه تعریض حدیث بشود و از عمل به آن خودداری کند.<sup>۴</sup> به عنوان مثال بهبودی به حدیثی از کتاب تهذیب اشاره می‌کند که راوی از امام صادق (ع) می‌پرسد: به هنگام وضوء گرفتن باید جلو و پشت سر را با هم مسح کرد؟ امام (ع) می‌فرماید: گویا به پشت گردن پدرم می‌نگرم که چین و شکن دارد و با دست خود بر روی آن مسح می‌کشد.

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَسَحُ الرَّأْسِ عَلَى مُقَدَّمِهِ. عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْمَسْحِ عَلَى الرَّأْسِ فَقَالَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى عُنُقِهِ فِي فَمَّا أَبِي يُمِرُّ عَلَيْهَا يَدَهُ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْوُضُوءِ يُمَسَّحُ الرَّأْسُ مُقَدَّمَهُ وَ مُؤَخَّرَهُ قَالَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى عُنُقِهِ فِي رَقَبَةِ أَبِي يَمَسَّحُ عَلَيْهَا»<sup>۵</sup>

بهبودی می‌گوید: «این حدیث به مسح گردن اشاره می‌کند که جزء سر محسوب نمی‌شود. ایشان معتقد است است که امام صادق (ع) به وضوی پدر استناد نمی‌کند، بلکه در جواب سائل، توضیحی، از نحوه غسل کردن پدر بیان می‌کند؛ بنابراین امام صادق (ع) پاسخ رسمی نداده، بلکه وی را به نکته‌های تعریضی حواله می‌دهد. از اینجا معلوم می‌شود که هنگام وضو گرفتن مسح تمام سر مورد ندارد و با ابلاغ همین نکته تعریضی، تمام احادیثی که به مسح سر و گوش و گردن فرمان می‌دهد، از درجه اعتبار و حجیت ساقط می‌شود.»<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۲۸

<sup>۲</sup> «معارض جمع معراض است و معراض یعنی وسیله تعریض و کنایه، هرگاه انسان نتواند از ادانه سخن بگوید، با هر وسیله ممکن که بتواند موقعیت خود را روشن سازد تا به مستمعان تیزهوش بفهماند که صراحت لهجه ندارد و سخن او جدی نیست.» (بهبودی، ۱۳۷۸، علل الحدیث، ص ۲۹)

<sup>۳</sup> ر.ک: سرشار، ۱۳۸۸، ص ۳۱۲

<sup>۴</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۲۹

<sup>۵</sup> ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۱ و ۹۱.

<sup>۶</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۲۸

### ب) استناد امام معصوم(ع) به روایت غیر امامیه یا اعمال دیگران

از دیگر انواع تعریض آنست که امام(ع) در بیان حکم به روایت یا عمل غیر شیعه استناد نمایند. در نظر بهبودی استناد به روایت غیر امامیه یا اعمال دیگران، وسیله تعریض است و هر حدیثی که از این دست باشد، از درجه اعتبار و حجیت ساقط می‌شود و احادیث مقابل آن قطعی می‌گردد.<sup>۱</sup> وی به عنوان نمونه به حدیثی اشاره می‌کند:

«وَعَنْهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَاعَ عَنْ رَجُلٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَنَامَ حَتَّى يُصْبِحَ أَيُّ شَيْءٍ عَلَيْهِ قَالَ لَا يَضُرُّهُ هَذَا وَ لَا يُفْطِرُ فَإِنَّ أَبِي ع قَالَ قَالَتْ عَائِشَةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَصْبَحَ جُنُبًا مِنْ جَمَاعٍ غَيْرِ اخْتِلَامٍ قَالَ لَا يُفْطِرُ»<sup>۲</sup>

یعنی از امام رضا پرسیدم: اگر کسی در شب ماه رمضان جنب شود و عمدًا بخوابد تا صبح شود، چه تکلیفی دارد؟ امام رضا گفت: جنابت ضرری ندارد. روزه خود را باز نمی‌کند. چرا که پدرم از عایشه روایت کرده است که رسول خدا(ص) در شبهای ماه رمضان جنب می‌شد و تا صبح غسل نمی‌کرد.

«در این روایت از امام رضا(ع) درباره عدم غسل جنابت در ماه رمضان تا صبح می‌پرسند و امام پاسخ می‌دهد جنابت ضرری ندارد و نباید روزه را باز کرد؛ در این حدیث امام رضا به خاطر تقیه عین روایت اهل سنت را بازگو می‌کند ولی امام رضا (ع) توضیح می‌دهد که حدیث پدرم امام کاظم (ع) که حدیث مشهور عایشه را بازگو کرده، تعریض است و دارای حجت نیست.» بهبودی در ادامه می‌گوید باید دانست که علت اختلاف شیعه و سنی در این مسئله همان روایات عایشه است.<sup>۳</sup>

### ج) پاسخ غیر جدی امام(ع)

بهبودی معتقد است که یکی دیگر از موارد تعریض که موجب ساقط شدن حدیث از درجه حجیت و اعتبار می‌شود تعلیل ناموجه و پاسخ غیر جدی امام معصوم(ع) است. برای نمونه در حدیثی چنین آمده است:

« وَ رَوَى أَيْضاً أَحْمَدُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبُرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي سَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ أَصَابَ تَوْبِي شَيْءٌ مِنَ الْخَمْرِ أَصَلَّى فِيهِ قَبْلَ أَنْ أُغْسِلَهُ فَقَالَ لَا بَأْسَ إِنَّ التَّوْبَ لَا يَسْكُرُ»<sup>۴</sup>

«حسن بن ابی ساره می‌گوید: از امام ابو عبدالله صادق(ع) پرسیدم: اگر جامه ام به شراب آلوده شود قبل از آنکه جامه ام را بشویم، می‌توانم با آن جامه نماز بخوانم؟ امام صادق(ع) گفت: مانعی ندارد. زیرا جامه در اثر شراب، مست نمی‌گردد»<sup>۵</sup>

بهبودی بر آن است که «این پاسخ غیر جدی که رخت و لباس آدمی مست نمی‌شود، تعریض دارد و گواه آن است که حکم طهارت شراب، تقیه‌آمیز است و حکم واقعی نیست و هر حدیثی که متضمن طهارت شراب باشد، بی اعتبار است»<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۴۱

<sup>۲</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۰

<sup>۳</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۳۳

<sup>۴</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۰

<sup>۵</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۰

### د) قسم جلاله امام معصوم (ع) برای اثبات حکم شرعی

بهبودی معتقد است که احادیثی که در آن‌ها امام معصوم (ع) برای اثبات حکم شرعی یا فتوای خود بدون ضرورت سوگند جلاله بخورد، دارای تعریض هستند و حجت نیستند؛ زیرا فتوای امام نیازمند قسم نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

۱) «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ مُفْرِدِ الْحَجِّ يُقَدِّمُ طَوَافَهُ أَوْ يُؤَخِّرُهُ فَقَالَ هُوَ وَاللَّهِ سَوَاءٌ عَجَلَهُ أَوْ أَخَّرَهُ».<sup>۲</sup>

از امام صادق (ع) پرسیدم: اگر کسی حجّ خالص بجا بیاورد، طواف خانه را قبل از مراسم منی انجام بدهد یا بعد از آن؟ امام صادق گفت: بخدا قسم که تعجیل و تأخیر آن یکسان است.

بهبودی می‌گویند: «تعریض این حدیث در سوگند جلاله است که حجت خدا بدون ضرورت، فتوای خود را با قسم تأیید می‌کند یاد کردن قسم در این حدیث نشانه تعریض بوده و آن را از حجیت اندازد. فتوای عامه بر این است که در حجّ بی عمره، یعنی حجّ خالص مانند رسول خدا (ص) طواف را مقدم بدانند. و بنا بر تعریضی که این حدیث دارد، فتوای واقعی بر خلاف نظر عامه خواهد بود که باید طواف را بعد از مراسم منی انجام بدهند».<sup>۴</sup>

### ز) سند گرفتن افراد ناموثق توسط امام معصوم (ع)

در نظر بهبودی در برخی از روایت‌ها وجود دارد که فردی را سند گرفته‌اند که در لسان امامان لعن شده است. این احادیث هم حجت و اعتبار ندارد؛ بدین صورت:

«عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ قَالَ حَدَّثَنِي غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ عَ عَنِ الْمُطَلَّاقَةِ عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ أَيْ تَزْوِجَهَا الرَّجُلُ فَقَالَ الزَّمُوهُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا الزَّمُوهُ أَنْفُسَهُمْ وَ تَزَوَّجُوهُمْ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ قَالَ الْحَسَنُ وَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ سَمَاعَةَ وَ سُئِلَ عَنْ امْرَأَةٍ طَلَّقَتْ عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ أَلَيْسَ أَنْ تَزَوَّجَهَا فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ لَهُ أَلَيْسَ تَعْلَمُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ حَنْظَلَةَ رَوَى إِيَّاكُمْ وَ الْمُطَلَّاقَاتِ ثَلَاثًا عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ فَإِنَّهُنَّ ذَوَاتُ أَزْوَاجٍ فَقَالَ يَا بَنِيَّ رَوَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ أَوْسَعُ عَلَى النَّاسِ قُلْتُ وَ أَيْ شَيْءٍ رَوَى عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ رَوَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَ أَنَّهُ قَالَ الزَّمُوهُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا الزَّمُوهُ نَفْسَهُمْ وَ تَزَوَّجُوهُمْ فَإِنَّهُ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ»<sup>۵</sup>

یعنی من از جعفر بن سماعه شنیدم که در پاسخ یک تن از شیعیان که پرسید: آیا می‌توانم با خانمی ازدواج کنم که بر خلاف سنت طلاق گرفته است؟ گفت: بلی، می‌توانی ازدواج کنی. من به او گفتم: مگر تو خودت نمی‌دانی که علی بن حنظله از امام صادق روایت کرده است که: «مبادا با خانمهایی ازدواج کنید که بر خلاف سنت مشروع سه طلاقه می‌شوند چرا که این خانمها در عقد شوهر خود بسر می‌برند و با طلاق غیر شرعی مطلقه نمی‌شوند». عمویم جعفر بن سماعه به من گفت: پسر جانم! روایت علی بن ابی حمزه کار مردم را آسانتر می‌کند. من گفتم: مگر علی بن ابی حمزه چه روایتی نقل کرده است؟ عمویم گفت: علی بن ابی حمزه از امام کاظم روایت

<sup>۱</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۳۰

<sup>۲</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۵۸

<sup>۳</sup> کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۷۷

<sup>۴</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۵۸

<sup>۵</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۵۹

کرده است که فرمود: اهل سنت را به آنچه ملتزم شده‌اند الزام کنید و زنان مطلقه آنان را به زنی بگیری که اشکالی ندارد.

در حدیث فوق درباره حلیت ازدواج با زنانی که خلاف سنت طلاق گرفته‌اند، به روایت علی بن ابی حمزه استناد می‌کند. بهبودی بیان کرده است که: «علی بن ابی حمزه غالی و واقفی و در لسان امامان لعن شده است؛ لذا این حدیث دارای تعریض است».

### ب) مطالعات حدیث‌شناختی در حوزه سند حدیث

و اکاوی آراء رجالی و تاریخ حدیثی بهبودی نشان می‌دهد که نزد ایشان، تلاش بزرگان شیعه برای جلوگیری از راه یافتن موضوعات و جعلیات غلات و زنادقه به میراث شیعه ناکام ماند و برساخته‌های آنان به کتب حدیث شیعه راه یافت و راویان ضعیف بسیاری در اسناد شیعه جای گرفتند. و چون علم رجال و آشنایی با طبقات رؤات، از ارکان اصلی تحقیقات اسنادی است؛ کشف اعتبار حدیث، نیازمند علم رجال است. از اینرو، پژوهشگران حدیثی همواره به دانش رجال‌الحدیث توجه ویژه داشته‌اند. یکی از پژوهشگران علم رجال، محمدباقر بهبودی است که به روش خود، در مسائل این علم سخن رانده و آراء تأمل برانگیزی عرضه کرده است و توجه ویژه‌ای به علم رجال دارد.

مهمترین روش‌های حدیث‌شناختی بهبودی در حوزه صحت و اعتبار سند حدیث شامل موارد زیر می‌باشد:

#### ۱) روش مقابله سند احادیث

##### الف) کشف تخلیط در سند حدیث و حل آن

«تخلیط» مصدری است از ماده (خ ل ط) و از باب «تفعیل» در کتب لغت، معنای آن را «در هم آمیخته شدن، فاسد شدن عقل، انضمام» ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

در مورد معنای اصطلاحی تخلیط باید گفت که در بررسی صورت گرفته در کتب درایه، تعریف مجزا و خاصی برای این اصطلاح حدیثی، یافت نشد. البته صاحب «الرعاية فی علم الدرایه» در ذیل عنوان «من اختلط و خلط» این علت را از ویژگی راویانی دانسته است که پس از دوره استقامت در حدیث به دو ویژگی متصف شده باشند؛ دچار کند ذهنی و ضعف عقل شده باشند و یا همانند «واقفیه» در زمان امام کاظم ع و «فطحیه» در عصر امام صادق (ع) و نیز امثال «محمد بن علی شلمغانی» و «محمد بن ابی مفضل» دچار فسق شده باشند. ایشان می‌گویند: «من خلط بخرق أو فسق و غیرهما یقبل ما روی عنه قبل الاختلاط و یرد ما بعده»؛ «کسی دچار آسیب خلط در حدیث می‌شود که؛ یا به کند ذهنی و ضعف عقل و یا به فسق دچار شده باشد؛ که در این صورت، احادیث روایی ماقبل از علت، پذیرفته می‌شود و مابقی قابل پذیرش نیست».<sup>۲</sup>

##### نظر بهبودی پیرامون اصطلاح «تخلیط»

در برخی موارد ممکن است که بر اثر اشتباه نسخه برداران یا صاحبان جوامع حدیثی، سند دو حدیث با هم مخلوط شود. برای کشف و اصلاح این مشکل می‌توان از یکی از راهکارهای مقابله حدیث با احادیث دارای

<sup>۱</sup> فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۷۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۸۹

<sup>۲</sup> عاملی، ۱۴۰۸، ص ۲۱۰

متن و سند مشابه یا بررسی طبقه و طریق روایت راوی از مشایخ و یا هر دو روش استفاده کرد. بهبودی، نیز با استفاده از مقابله و مقایسه احادیث پشت سرهم در جوامع حدیثی و مقابله احادیث دارای متن و سند مشابه، به حل مشکل تخلیط در سند یا متن و سند حدیث پرداخته است.<sup>۱</sup>

به عنوان نمونه بهبودی از مقابله دو حدیث از کتاب کافی و تهذیب با متن و سند مشابه به دست می آورد که در نسخه تهذیب «ابن ابی عمیر» واسطه از «اسماعیل بن ابی رباح» روایت می کند، ولی در نسخه کافی بین این دو روای واسطه «بعض اصحابنا» قرار گرفته است.

۱) مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رِيَّاحٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَ عَنْ مُفْرِدِ الْعُمَرَةِ عَلَيْهِ طَوَافُ النَّسَاءِ قَالَ نَعَمْ.

\*عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رِيَّاحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُفْرِدِ الْعُمَرَةِ عَلَيْهِ طَوَافُ النَّسَاءِ قَالَ نَعَمْ.

وی با توجه به طریق «ابن ابی عمیر» که همواره بیواسطه از «اسماعیل بن رباح» روایت می کند، نتیجه می گیرد که نسخه کافی تخلیط دارد.<sup>۲</sup>

بهبودی این حدیث را با اصلاح سند در صحیح الکافی ذکر می کند.<sup>۳</sup>

### ب) پی بردن به اسامی مشترک - کتب مشترک

گاهی بهبودی، با مقابله حدیث‌هایی با متن یا سند مشابه به وجود کتاب‌های مشترک راویان یا اسامی مشترک پی می برد.

الف) نمونه برای اسامی مشترک:

«عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَ عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى مِنْ رَجُلٍ أَرْضًا جُرْبَانًا مَعْلُومَةً بِمِائَةِ كَرٍّ عَلَيَّانِي عَطِيَّةً مِنَ الْأَرْضِ فَقَالَ حَرَامٌ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَإِنِّي اشْتَرَيْ مِنْهُ الْأَرْضَ بِكَيْلٍ مَعْلُومٍ وَحِطَّةٍ مِنْ غَيْرِهَا قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ»<sup>۴</sup>

بهبودی از طریق مقابله با نقل‌های دیگر می‌رساند که در این سند «حسن بن علی» که میان سه تن مشترک است: حسن بن علی بن فضال، حسن بن علی بن یقطين، حسن بن علی و شاء. با توجه به حدیث بعدی متعین می شود که این روای حسن بن علی و شاء است.<sup>۵</sup>

\* الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد. ومحمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، جميعاً، عن الوشاء قال: سألت الرضا (ع) عن رجل يشتري من رجل أرضاً جرباناً معلومة...<sup>۶</sup>

### ب) نمونه برای کتاب مشترک:

<sup>۱</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، صص ۱۷۸ و ۱۸۱ و ۱۸۲

<sup>۲</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۷

<sup>۳</sup> ر.ک بهبودی ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۷۷

<sup>۴</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۴۹

<sup>۵</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۴.

<sup>۶</sup> کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۲۶۵، طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۹۵

بهبودی با مقابله احادیث دارای متن مشابه به کتاب مشترکی بین جمیل بن ذرّاج و محمد بن حمران تذکر می-  
دهد بدین صورت:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ ذَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع...<sup>۱</sup>  
عَنْهُ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَفَضَّالَةَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ ذَرَّاجٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع...  
عَنْهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَ ذَلِكَ.<sup>۲</sup>

بهبودی با مقابله این احادیث نتیجه می گیرد که محمد بن حمران و جمیل بن ذرّاج هر دو یک کتاب داشته اند و  
از آن روایت نقل می کردند. وی سپس می گوید: «سند حدیث دوم ارسال دارد، و صحیح آن چنین است.  
«الحسین بن سعید، عن عبدالرحمن بن ابی نجران، عن محمد بن حمران عن ابی عبدالله (ع)». زیرا حدیثی را  
که ابن ابی عمیر از جمیل بن ذرّاج روایت کند، عبدالرحمن بن ابی نجران از محمد بن حمران روایت می کند،  
چرا که محمد بن حمران و جمیل بن ذرّاج هر دو یک کتاب شترکی داشته اند؛ در نتیجه اصحاب جمیل  
می گویند: «عن جمیل» و اصحاب محمد بن حمران همان حدیث را می آورند و می گویند: «عن محمد بن-  
حمران»<sup>۳</sup>

### ج) کشف افتادگی سند حدیث

در نظر بهبودی، یکی از روش های اساسی برای کشف و شناسایی افتادگی از حدیث، مقابله احادیث دارای  
سند مشابه یا احادیث پشت سرهم در جوامع حدیثی است. در برخی موارد افتادگی از سند با عبارتی  
مشخص شده است که یافتن راوی یا راویان افتاده را تسهیل می نماید. بدین صورت:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ...<sup>۴</sup>  
«مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ  
رَجُلٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ التَّلَفَ إِنْ اغْتَسَلَ قَالَ يَتَيَمَّمُ فَإِذَا أَمِنَ بِهِ الْبُرْدُ اغْتَسَلَ وَ أَعَادَ  
الصَّلَاةَ.»<sup>۵</sup>

«وَقَدْ رَوَى هَذَا الْحَدِيثَ - سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ  
بْنِ سِنَانَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَ ذَلِكَ.»<sup>۶</sup>

بهبودی بر آن است که ظاهراً راویان این نسخه کلمه عبدالله را سالم دیده اند و کلمه بعدی لایقرء بوده است  
که با استظهار شخصی نوشته اند «عن عبدالله بن سنان او غیره». یعنی شاید عبدالله بن بکیر باشد و یا عبدالله بن راشد

<sup>۱</sup> کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۰۰

<sup>۲</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۸۴

<sup>۳</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۰

<sup>۴</sup> کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۶۷

<sup>۵</sup> «از امام صادق در مورد مردی که جُنُب شده در شب سرد و ترس داشت از اینکه غسل کند و تلف شود. حضرت  
فرمودند: تیمم کند و نماز بگذارد و زمانیکه از سرما رها گشت غسل کند و نمازش را اعاده کند.»

<sup>۶</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹۶

و یا عبدالله بن محمد جعفی. بهبودی این حدیث را از جهت متن و سند با حدیث مشابه کتاب «الفقیه» مقابله می کند و راوی یا راویان افتاده را تصحیح می کند که راوی افتاده عبدالله بن سنان است.<sup>۱</sup>

«وَسَأَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ تُصِيبُهُ الْجَنَابَةُ فِي اللَّيْلَةِ الْبَارِدَةِ يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ التَّلَفَ إِنْ اغْتَسَلَ فَقَالَ يَتَيَّمٌ وَيُصَلِّيُ فَإِذَا أَمِنَ مِنَ الْبُرْدِ اغْتَسَلَ وَاعَادَ الصَّلَاةَ»<sup>۲</sup>

(۲) توجه به طبقه روات

یکی از اموری که به کشف عدم اتصال مخفی سند کمک شایانی می کند، توجه به طبقه روات است. بهبودی، در بررسی های حدیثی به طبقه راوی توجه داشته است. گاه بهبودی تنها با مشخص کردن اینکه یک راوی از چه کسی روایت می کند و یا در چه طبقه ای قرار دارد، موفق به تشخیص تصحیف یا تحریف سند می شود. برای نمونه وی حدیثی از کتاب تهذیب با سند زیر می آورد:

(۱) مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ زُرَّارَةَ قَالَ: ...<sup>۳</sup>

بهبودی، سپس می گوید: «این سند تصحیف دارد، زیرا «حسن بن علی فضال» راوی «ابراهیم بن محمد الأشعری» است.<sup>۴</sup>

بنابراین صحیح این حدیث چنین است: «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَشْعَرِيِّ»<sup>۵</sup>

(۲) «فَأَمَّا مَا رَوَاهُ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ ...»<sup>۶</sup>

بهبودی بیان کرده است که سعد بن عبدالله در طبقه عبدالرحمن بن ابی نجران نیست و همواره به واسطه احمد بن - محمد بن عیسی اشعری از عبدالرحمن بن ابی نجران روایت می کند. همچنین سعد بن عبدالله از حسین بن سعید هم به واسطه همین احمد بن محمد بن عیسی روایت می کند؛ بنابراین بهبودی سند حدیث را تصحیح کرده است به این صورت: «سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد، عن ابی نجران و الحسين بن سعید، عن حماد بن سعید، عن حرز».<sup>۷</sup>

### (۳) توجه به سال تولد و وفات

توجه به اطلاعاتی از قبیل سال تولد و وفات راویان می تواند نقش مهمی در کشف عدم اتصال پنهان سند داشته باشد. در نظر بهبودی، یکی دیگر از عواملی که در بررسی حدیثی باید بدان توجه داشت، مساله شناخت راویان است، به این معنا که بهبودی با بررسی دقیق در تاریخ تولد و وفات راویان، انقطاع سند را روشن و

<sup>۱</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱.

<sup>۲</sup> صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۹

<sup>۳</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۷۴

<sup>۴</sup> ر.ک نجاشی، ۱۴۰۷، ۷۲؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۷۴

<sup>۵</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۷۰

<sup>۶</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۴۷ ر.ک: طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۶۸

<sup>۷</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸

آن را از درجه صحت ساقط کرده است. به عنوان مثال در برخی موارد وی بیان کرده است که تولد راوی یا پس از وفات امام (ع) بوده و یا زمانی به دنیا آمده که نتوانسته آن امام را درک کند و در نتیجه، امکان سماع از امام (ع) را نداشته است. چنین روایت‌هایی در شمار روایت‌های مرسل قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

به عنوان نمونه بهبودی به سند حدیثی اشاره می‌کند که در آن سلمه بن کهیل مستقیماً حدیث را از علی بن ابی‌طالب (ع) روایت کرده است، در حالی که به نظر وی نمی‌تواند چنین باشد، زیرا سلمه بن کهیل هفت سال بعد از شهادت امیرالمؤمنین به دنیا آمده و از اصحاب رسول خدا فقط سه تن را درک کرده است.

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ سَلْمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ قَالَ...»<sup>۲</sup>

در سند این حدیث آمده است؛ که سلمه بن کهیل مستقیماً حدیث را از امیرالمؤمنین (ع) استماع کرده است؛ بهبودی می‌گوید این سند درست نیست؛ زیرا سلمه بن کهیل<sup>۳</sup> هفت سال بعد از شهادت امیرالمؤمنین (ع) به دنیا آمده است؛ و فقط سه تن از اصحاب رسول خدا را درک کرده است که جندب، ابوجحیفه، عبدالله بن ابی‌أوفی بوده اند. شگفت از شیخ طوسی است که علی‌رغم اینکه در اثر خود تهذیب الاحکام، به نقل از فضل بن شاذان به صراحت اعلام می‌کند که سلمه، امیرالمؤمنین (ع) را درک نکرده است، ولی با وجود این، در کتاب رجال خود، او را در شمار اصحاب امیرالمؤمنین درج کرده است.<sup>۴</sup>

بهبودی در مواردی که سال تولد و وفات یا یکی از این دو به طور دقیق معلوم نیست، با تجزیه و تحلیل اطلاعاتی نظیر اینکه راوی در شمار اصحاب کدام امام ثبت شده و یا اینکه در شمار معمرین ثبت شده یا خیر، به اتصال یا انقطاع سند پی می‌برد. به طور مثال در سند حدیثی می‌بینیم که عبدالله بن جبلة الکنانی مستقیماً از امام صادق (ع) روایت می‌کند. بهبودی درباره این سند می‌گوید: فاصله رحلت امام صادق (ع) (م ۱۴۸ق) تا فوت عبدالله بن جبلة (م ۲۱۹ق) ۷۱ سال است. بنابراین وی نمی‌تواند مستقیماً از امام صادق (ع) روایت کند، زیرا نه او را در شمار معمرین آورده و نه در شمار اصحاب امام صادق (ع)، بلکه فقط در شمار اصحاب امام کاظم (ع) یاد شده است. بنابراین هر حدیثی که در سند آن ابن جبلة مستقیماً از امام صادق (ع) روایت کرده باشد، مرسل خواهد بود.<sup>۵</sup>

#### ۴) توجه به روش صاحبان کتب اربعه در تدوین جوامع حدیثی

یکی از راهکارهای کشف و اصلاح عدم اتصال سند، مقابله احادیث پشت سر هم در جوامع حدیثی است. این راهکار بیشتر در مورد احادیث معلق که در آن‌ها راوی یا راویانی از ابتدای سند افتاده است، به کار می‌رود. یکی از روشهای کلینی در تدوین احادیث کافی، نقل احادیث به صورت معلق است که ایشان بخشی از سند را

<sup>۱</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۳.

<sup>۲</sup> کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۴۱۲؛ ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۲۵؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۵

<sup>۳</sup> سلمه بن کهیل در سال ۴۷ هجری به دنیا آمده است و در سال ۱۲۲ هجری از دنیا رفته است و در شمار فرقه زیدیه بشمار است. (طبقات ابن سعد، ج ۶، ص ۲۲۱؛ محمدباقر بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۳)

<sup>۴</sup> . طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۱۹.

<sup>۵</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۳



ذکر نمی‌کند و به سند حدیث قبل تکیه می‌کند و اگر کسی به این روش کلینی توجه نکند، حدیث را مرسل تلقی نموده و در دام ارسال گرفتار می‌شود.

«معلق» اسم مفعول، از ریشه (ع ل ق) و از باب تفعیل است. در کتب لغت، معنای آن، «آویزان شده و بسته شده، چنگ زنده به چیز دیگر» ذکر شده است.<sup>۱</sup>

علامه مامقانی می‌گویند: «المعلق هو كل خبر حُذِف من أوّل إسناده واحد أو أكثر، علی التوالی ونسبه الحدیث إلی من فوق المحذوف من رواه مثل غالب روایات التهذیبین والفقیه حیث اسقطا فیها جمله من اول اسناد الاخبار و بین كل منهما فی اخر كتابه من اسقطه بقوله: ما رویته عن فلان فقد رویته عن فلان، عن فلان، عنه». حدیث معلق حدیثی است که از ابتدای سندش، یک راوی یا بیشتر پشت سر هم حذف شده باشد و حدیث بدون بیان این افتادگی، به راویان بالای حدیث نسبت داده شده است. مثل اکثر روایات کتاب‌های «الفقیه»، «تهذیب الاحکام» و «استبصار»، که راویان ابتدای سند را حذف کرده‌اند و در پایان کتاب خود قسمت‌های محذوف سند را آورده‌اند به این صورت که آنچه از فلانی از فلانی روایت نموده‌ام (آنچه را که از ابتدای اسناد، حذف کرده‌ایم) در واقع آن را از فلانی از فلانی روایت نموده‌ام.<sup>۲</sup>

همانطور که گفته شد این سبک در کتاب‌های «الفقیه»، «تهذیب» و «استبصار» وجود دارد، که هدف از این کار را ذکر نکردن اسناد تکراری دانسته‌اند.

در نظر بهبودی علت تعلیق سند در بیشتر مواقع نقل از کتب دیگران بدون توجه به شیخه آنان و یا نقل حدیث بدون توجه به اینکه آن حدیث بر حدیث یا احادیث قبل از آن معلق است، می‌باشد.

برای نمونه:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ابْنِ مُسْكَانَ يَرْفَعُهُ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: ...»<sup>۳</sup>

«يُونُسُ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ...»<sup>۴</sup>

بهبودی این دو حدیث پشت سر هم از کافی نقل می‌کند و معتقد است که حدیث دوم بر حدیث اول معلق است. در حالی که شیخ طوسی همین دو حدیث را از کافی نقل می‌کند ولی حدیث دوم را مرسل معرفی می‌کند در حالی که کلینی آن حدیث را مسند می‌داند و آن را معلق به حدیث قبل نموده است.<sup>۵</sup>

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ مَرْسَلًا عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ...»<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> ر. ک: مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص: ۲۰۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۲۶۱

<sup>۲</sup> مامقانی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۷۶؛ عاملی، ۱۴۱۴، ص ۴۹؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۶۹؛ صبحی صالح، ۱۳۷۶، ص ۱۶۸.

<sup>۳</sup> کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۰۳

<sup>۴</sup> کلینی، کافی، ج ۳، ص ۵۰۳.

<sup>۵</sup> بهبودی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰.

<sup>۶</sup> طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۱۱

## ۵) بررسی‌های مربوط به منبع‌شناسی رجالی

الف) صحّت انتساب «الضعفاء» به ابن‌غضائری

درباره‌ی نسبت دادن یا ندادن، معتبر دانستن یا ندانستن اقوال مندرج در رجال ابن‌الغضائری، اختلاف قابل ملاحظه‌ای در میان عالمان امامیه است به گونه‌ای که برخی انتساب آن کتاب را به ابن‌غضائری نپذیرفته‌اند و برخی آن را پذیرفته‌اند ولی اقوال مندرج در آن را معتبر ندانسته‌اند و گروهی علاوه بر قبول انتساب به ابن‌غضائری، اقوال مندرج در آن را معتبر می‌دانند؛ از جمله می‌توان بهبودی را نام برد که در شرح روش نجاشی (م ۴۵۰ق) در «الفهرست»، از ابن‌غضائری نام می‌برد و مدعی می‌شود که روش نجاشی در فهرست، در گزارش احوال روات و مؤلفان، همان روش ابن‌غضائری است و سیره علمی ابن‌غضائری بر نجاشی تأثیر داشته است. بررسی و تعمق در رجال نجاشی، نیز بیانگر این نکته است که بخشی از آثار ابن‌غضائری در دسترس نجاشی قرار داشته است. بهبودی در این رابطه هم به دوستی این دو (الصداقة والاخاء) و هم این مطلب که مسودات ابن‌غضائری در اختیار نجاشی بوده، اشاره کرده است و همچنین بیان می‌کند که نجاشی در دوران همکاری‌اش با ابن‌غضائری، مشافهتا و مذاکراتا مطالبی را از او فراگرفت و نسخه‌ی متداول در میان رجالیان از رجال ابن‌غضائری را همین مسودات دانسته است.<sup>۱</sup> از نظر بهبودی، تعابیری مانند «قرائته انا و احمدابن‌الحسین علی‌ابیه» و «یا کنت نجمت معہ عند احمدبن‌الحسین» به هنگام معرفی علی‌بن‌محمدشیره الابلی، نشان از هم‌دستی و همکاری این دو با هم دارد.<sup>۲</sup> در نظر بهبودی، علامه حلی (م ۷۲۶ق) نیز به همین مسودات دست یافت؛ ایشان می‌نویسد: «گمان من این است که نسخه متداول میان رجالیان شیعه - از عصر علامه حلی (م ۷۲۶ق) - معروف به رجال ابن‌غضائری، همان نسخه‌ی ای است که نزد شیخ ما ابن‌نجاشی بوده و سپس علامه حلی بدان دست یافته و چون شواهد درستی انتساب نسخه به ابن‌غضائری را در آن دیده، به آن اعتماد کرده است.» دلیل دیگر بهبودی این است که اقوال منقول از ابن‌غضائری توسط نجاشی با آن چه در نسخه مشهور و منسوب رجال ابن‌غضائری آمده است، مطابقت دارد.<sup>۳</sup>

ب: بررسی کتاب‌های رجالی شیخ طوسی

از کتب اربعه رجالی شیعه، دو کتاب آن یعنی «الرجال» و «الفهرست» مستقیماً به وسیله شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) تألیف گردید.<sup>۴</sup> در کتاب «الرجال» اسامی راویان را به ترتیب دوران تاریخی، از زمان رسول خدا تا عصر آخرین امام، به صورت طبقه طبقه و در کتاب «الفهرست» نیز اسامی ۹۰۰ تن از صاحبان اصول و مؤلفان شیعه به ترتیب حروف الفبا آورده شده است. بهبودی بیان کرده‌اند که شیخ طوسی کتاب‌های رجال و فهرست خود را همزمان تألیف کرده است و در این زمینه شواهدی ارایه می‌کند: «شیخ طوسی در کتاب رجال باب ۱۳ ص ۴۸۵

۱. بهبودی، ۱۳۶۲، ص ۶۴-۶۱.

۲. همان، ص ۶۱.

۳. بهبودی، ۱۳۶۲، ص ۶۴-۶۵.

۴. ر.ک: معارف، ۱۳۷۶، صص ۳۹-۵۷.

در مورد سید مرتضی می گوید: «علی بن الحسین الموسوی . یکنی أبا القاسم، الملقب بالمرتضی. ذوالمجدین. علم الهدی - أدام الله تعالی أيامه- أكثر أهل زمانه أدباً وفضلاً». این عبارت دلالت می کند بر اینکه شیخ طوسی کتاب رجال را زمانی تألیف کرده که سید مرتضی زنده بوده است.

و در کتاب الفهرست شماره ۷ در ترجمه ابراهیم بن محمد الثقفی می گوید: «وأخبرنا به الأجل المرتضی علی بن الحسین الموسوی- أدام الله تأییده- والشیخ محمد بن محمد بن نعمان المفید رضی الله عنه». این عبارت دلالت دارد که شیخ بعد از وفات شیخ مفید (م ۴۱۳) و قبل از وفات سید مرتضی در سال ۴۳۶ به تألیف الفهرست پرداخته است.

شیخ طوسی در کتاب الفهرست شماره ۴۳۳ در ترجمه السید أجل سید مرتضی می گوید: «علی بن الحسین الموسوی: کنیته أبا القاسم و لقبه علم الهدی . الأجل، السید المرتضی رضی الله عنه . متوحد فی علوم كثيرة...». این سخنان شیخ بر این مطلب دلالت دارد که ایشان کتاب فهرست را بعد از وفات سید مرتضی تألیف نموده است. و مدتی قبل و بعد از وفات سید مشغول گردآوری فهرست بوده است ولی رجال را قبل از وفات سید تمام کرده است.

بهبودی بیان می کند که «سخنان شیخ طوسی در این دو کتاب به ما این امکان را می دهد که یا بگوییم کلام شیخ طوسی در فهرست و رجال از جهت زمان متناقض است یا بگوییم که شیخ همزمان به تألیف دو کتاب مشغول بوده که این سخن مطابق میل و مقتضی قصد وی برای نوشتن کتابی درباره راویان و کتاب دیگری در مورد مولفین پس از درخواست شیخ الفاضل و اجابت خواسته او است»<sup>۱</sup>

نکته دیگر اینکه بهبودی معتقدند با اینکه نجاشی نسبت به شیخ طوسی اقدم است، لیکن فهرست شیخ طوسی پیش از فهرست نجاشی تألیف شده است.<sup>۲</sup> همانگونه که علامه بحر العلوم نیز معتقد است که نجاشی در تألیف فهرست خود از دو کتاب فهرست و رجال شیخ طوسی بهره های بسیار برده و در مواردی سخنانی خلاف گفتار شیخ طوسی بر زبان رانده و گاه خطاهای مرحوم شیخ را نیز تصحیح کرده است.<sup>۳</sup>

بهبودی در شرح روش شیخ طوسی در الرجال ذیل عنوان «البلاغ الحسن» می گوید که شیخ طوسی در الرجال، در بخش «من لم یرو عن واحد من الأئمة»، نام شماری از صاحبان اصول را آورده و این سبب بی اعتباری اصول منتسب به آن راویان است<sup>۴</sup>، نمونه های زیر را بنگرید:

الف) بکربن محمد ازدی؛ نجاشی درباره ی وی می نویسد: «وجه فی هذه الطائفة... و كان ثقة... له كتاب»<sup>۵</sup>. شیخ در الفهرست ذیل نام وی نوشته است: «له أصل»<sup>۶</sup>. در الرجال نیز او را از اصحاب امام صادق (ع) و امام

<sup>۱</sup> . بهبودی، ۱۳۶۲، ص ۸۴

<sup>۲</sup> . شبیری زنجانی، ۱۳۶۵، ص ۳۵؛ همان، ص ۱۰۰

<sup>۳</sup> . بحر العلوم، ۱۳۶۳، ج ۲: ص ۴۸-۴۷.

<sup>۴</sup> . همان: ۹۵.

<sup>۵</sup> . نجاشی، ۱۴۰۷: ش ۲۷۳

<sup>۶</sup> طوسی، ۱۴۱۵، ش ۱۲۶.

کاظم (ع) و امام رضا (ع) برشمرده است<sup>۱</sup>، با این همه، در شماره ۶۰۳۲ الرجال تام او را در عداد «من لم یرو عنهم» یاد کرده است.<sup>۲</sup>

ب) اسماعیل بن عثمان بن ابان: شیخ طوسی در الفهرست ش ۵۱ ذیل نام وی نوشته است «له أصل»، اما همو در الرجال (ش ۶۰۰۵) اسم وی را در شمار «من لم یرو عنهم» آورده است، نجاشی در باره‌ی وی می‌گوید: «روی أبوه عن أبي عبدالله و أبي الحسن (ع) و روی هر عن أبیه و عن...»<sup>۳</sup>

دو نمونه‌ی مذکور نشان می‌دهد که شیخ طوسی برخی روایات ثقه را که به تصریح نجاشی و شخص شیخ در شمار روایات ائمه و صاحبان اصول‌اند، در کتاب رجال خود، در ردیف کسانی آورده که «لم یرو عن واحد من الأئمة». محتمل‌ترین احتمالی که در توجیه چنین کاری به ذهن می‌رسد، سهو شیخ طوسی است؛ زیرا اگر شیخ طوسی در پی آن بود که به شکل دقیق و ظریف نشان دهد، نسبت دادن اصل به برخی اصحاب بی‌پایه است نمی‌بایست خود در جای دیگر اصلی را به آنان نسبت دهد و تصریح کند که ایشان از روایات ائمه‌اند. در نمونه‌های یادشده نه تنها گفتار شیخ طوسی درباره‌ی این روایان تناقض‌آمیز به نظر می‌رسد بلکه با نظر نجاشی نیز نمی‌خواند و این احتمال سهو و خطا را تقویت می‌کند.<sup>۴</sup>

ج: بررسی تحلیلی کتاب رجال نجاشی

یکی از مهم‌ترین روش‌های بهبودی، روش مقایسه‌ای و تحلیلی ایشان است که با همین روش به بررسی تحلیلی کتاب احمدبن‌علی نجاشی، پرداخته و با توجه به قرائنی اثبات می‌کند که فهرست، نه در زمان حیات مؤلف، بلکه سال‌ها پس از فوت او از طریق فرزندش، علی‌بن‌احمد نجاشی با اجازه به یکی از شاگردانش معمر بن نجاشی، به جامعه علمی آن زمان تقدیم شده است.

کتاب نجاشی، قبلاً به نام «فهرست أسماء المصنّفين»، شهرت داشته ولی از سال‌ها پیش یا نام رجال نجاشی معروف شده است. نام مشهور مؤلف، احمدبن‌العباس‌النجاشی است. جد اعلای او نیز به نام «احمدبن‌العباس‌النجاشی» شهرت داشته است. گویا مؤلف می‌خواسته است که نام جدش ابویعقوب احمدبن‌العباس را احیا کند، اینک در متن کتاب مورد بحث ذیل رقم ۲۵۳ نسب مؤلف به این صورت مشاهده می‌شود: احمد بن علی‌بن‌احمدبن‌العباس بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن النجاشی.<sup>۵</sup> «أحمد بن العباس النجاشی الأسدیّ مصنّف هذا الكتاب - أطل الله بقاه و أدام علوه و نعماه - له كتاب الجمعة و...»<sup>۶</sup> یعنی احمد بن علی بن احمد بن عباس همان کسی است که در معاجم رجالی و مجامع علمی، به نام احمد بن عباس نجاشی شهرت رسمی دارد و همان احمد بن علی است که این کتاب فهرست را به رشته تألیف و تصنیف کشیده است.

<sup>۱</sup>. طوسی، ۱۴۱۵ق: ش ۱۹۸۷، ۴۹۵۵، ۵۲۳۲.

<sup>۲</sup> همان.

<sup>۳</sup>. نجاشی، ۱۴۰۷ق: ش ۵۵.

<sup>۴</sup>. همان، ص ۹۴.

<sup>۵</sup>. نجاشی، ۱۴۰۷، رقم ۲۵۳، ص ۱۰۱.

<sup>۶</sup>. مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۹۹.

بعد از نام مؤلف، جمله دعایی «بقاه و آدام علوه و نعماه»، یعنی خداوند عمر او را طولانی کند و مقام عالی و نعمت وجود او را بر دوام بدارد، آمده است که صریحاً دال بر آن است که این جمله در زمان حیات مؤلف ثبت شده است. چنین عبارتی به یقین به وسیله خود مؤلف به ثبت نرسیده است. به نظر این جمله، بلکه تمام این عنوان توسط فرزند مؤلف ابوالحسن علی بن احمد بن العباس، نوشته شده است، زیرا اوست که پس از فوت پدر نوشته‌های او را به نظم و ترتیب کشیده و این تصنیف پربهای رجالی را به محضر دانشمندان عرضه کرده است.

عین همین جمله دعایی در اول جزء دوم کتاب فهرست با این عبارت مشهود است: «الجزء الثانی من کتاب فهرست أسماء مصنفی الشیعه و ما أدرکنا من مصنفاتهم و ذکر طرف من کناهم و ألقابهم و منازلهم و أنسابهم و ما قیل فی کلّ رجل منهم من مدح أو ذم. مما جمعه الشیخ الجلیل ابوالحسین أحمد بن علی بن أحمد بن العباس - النجاشی اسدی أطال لله بقاه و آدام علوه و نعماه». این عبارت گواهی می‌دهد که در اول جزء اول کتاب هم باید چنین شرحی مشهود شود که متأسفانه چنین نیست. گویا همین جمله دعاییه «أطال لله بقاه و آدام علوه و نعماه» موجب شده است که برخی از وراقان تصور کنند که این عبارت از خود مؤلف نیست، زیرا چنین دعایی از قلم هیچ مؤلفی درباره خودش معقول نیست آن هم در عنوان کتاب. از این رو آن را به کلی حذف کرده‌اند. چنان که در چاپ اخیر این کتاب همین جمله دعایی و برخی از جملات دیگر را بدون جهت، حذف کرده‌اند؛ هم در ابتدای جزء دوم کتاب و هم ذیل شرح حال مؤلف.<sup>۱</sup>

#### ۶) نظرات مخالف با رجالیان در جرح و تعدیل روات

بهبودی، در کتاب معرفه‌الحديث فصلی را به بازشناسی رجال ضعیف اختصاص داده است و از راوی با وصف «ضعیف» یاد می‌کند. بررسی نمونه‌هایی از رجال تضعیف شده توسط بهبودی نشان می‌دهد که وی با توجه به مبناهای رجالی خویش و یا اتکا و استناد به اقوال منسوب به ابن غضائری راویان حدیث را تضعیف کرده است. آنچه در بررسی‌های رجالی بهبودی نیز جلب نظر می‌کند، ترجیح مطلق قول جراح بر معدل، بلکه بر معدلان است. در اینجا به معرفی چند نفر از رواتی که استناد بهبودی با مبناهای رجالی خود و بر خلاف نظر دیگر علما تضعیف کرده است، می‌پردازیم:

۱) ابو حمزه ثابت بن دینار الثمالی

نجاشی و شیخ طوسی ابو حمزه را توثیق کرده‌اند. نجاشی درباره ی وی می‌نویسد: «ثقه... قال محمد بن عمر - الجعایی: ثابت بن أبی صفیة کان من خیار أصحابنا و ثقاتهم و معتمدیهم فی الروایة و الحدیث. ...»<sup>۲</sup>. کشی ذیل نام ابو حمزه، ۶ روایت آورده است. در یکی از این روایات، از علی بن الحسن بن فضال چنین نقل شده است: «و کان أبو حمزة یشرب النبیذ و متهم به إلا أنه قال ترک قبل موته»، روایت دوم نیز حاکی از توبه‌ی

<sup>۱</sup>. نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۱؛ خوبی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۴۰؛ رک. بهبودی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۸.

<sup>۲</sup>. نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۹۶؛ طوسی، ۱۴۱۵، ش ۱۳۸.

ابوحمره است. سه روایت دیگر، همه در مدح و توثیق ابوحمره است.<sup>۱</sup> شیخ صدوق در مشیخه فقیه دربار ی ابوحمره می نویسد: «هو ثقة عدل».

اما بهبودی درباره ی ابوحمره می نویسد: «و عندی أن خبر الفاسق مردود إليه حتی يعرف صدقه من ناحية أخرى، و هذا الرجل كان فاسقا لشربه النبيذ على ما ذكره الرجالي الأقدم على بن الحسن بن فضال و إهداء أبي حمزة في ترك شرب النبيذ لا يقبل و خصوصا عند موته أو قبل موته؛ فإن الفاسق ما دام فاسقا غير مؤتمن و توبته لا يفيد في أخباره السابقة شيئا»<sup>۲</sup>

در اینجا مبنای بهبودی در تفسیق ابوحمره روایت علی بن الحسن بن فضال است. لیکن مستند فسق ابوحمره روایتی است که اگر موضوعه نباشد، دست کم به سبب ارسال، ضعیف است.<sup>۳</sup> از سوی دیگر، در برابر روایت مذکور، روایات متعددی در مدح و توثیق ابوحمره وارد شده که معارض روایت یاد شده اند. افزون بر اینها، ابوحمره از سوی نجاشی، شیخ طوسی و شیخ صدوق توثیق شده است. بنابراین، روایت یاد شده جداً مرجوح است و هرگز مثبت فسق ابوحمره نیست.

۲) اسماعیل بن مهران

نجاشی درباره ی وی می نویسد: «ثقة معتمد عليه... ذكره أبو عمرو في أصحاب الرضا(ع)»<sup>۴</sup> طوسی نیز وی را توثیق کرده است: «ثقه معتمد عليه و لقی الرضا(ع) و روی عنه»<sup>۵</sup>. عیاشی به نقل از کشی در حق وی گفته است: «كان تقيا ثقة خيرا فاضلا»<sup>۶</sup>. در برابر همه اینها، در رجال منسوب به ابن غضائری در وصف اسماعیل بن مهران آمده است: «ليس حديثه بالثقی يضطرب تارة و يصلح أخرى، و یروی عن الضعفاء كثيرا و یجوز أن یخرج شاهدا»<sup>۷</sup> اما بهبودی در اینجا قول جرح ابن غضائری را بر اقوال سه معدل (نجاشی، شیخ طوسی، عیاشی) ترجیح داده و اسماعیل بن مهران را در شمار ضعفاء آورده است. در اینجا نیز مبنای بهبودی در جرح اسماعیل بن مهران، قول ابن الغضائری است.

۳) ابو محمد حذیفه بن منصور الخزاعی

نجاشی، حذیفه بن منصور را توثیق کرده و کشی نیز روایتی در مدح او نقل کرده است، اما در رجال منسوب به ابن غضائری درباره ی این راوی آمده است: «حديثه غير نقی یروی الصحیح و القیم و أمره ملتبس و یخرج شاهدا»<sup>۸</sup>. بهبودی پس از نقل سخن منسوب به ابن غضائری درباره ی حذیفه بن منصور می نویسد: «تتبع روایاته

۱. کشی، ۱۳۴۸: ۲۰۳-۲۰۱.

۲. بهبودی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۲

۳. خوبی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۳۸۷.

۴. نجاشی، ۱۴۰۷ق: ش ۴۹

۵. طوسی، ۱۴۱۵: ش ۱۳۸

۶. کشی، ۱۳۴۸: ۵۸۹

۷. ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ش ۷

۸. رک، خوبی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۲۴۲

فوجدتها واهیه فی الأكثر<sup>۱</sup> حکم به «واهی» بودن بیشتر روایات حدیث بن منصور و تضعیف وی بر مبنای کتاب ابن الغضائری، ریشه در پیش فرض های بهبودی دارد. لیکن روشن است که واهی خواندن مرویات راوی و تضعیف او بدون در نظر گرفتن توثیق ائمه رجالی شیعه، با اصول داوری های رجالی، سازگاری ندارد.

(۴) احمد بن عمر الحلال

شیخ طوسی در رجال این راوی را توثیق کرده و در فهرست خاطر نشان کرده که ابن الولید - از مشایخ قم و از رجالیان متقدم و سختگیر - از روات کتاب اوست.<sup>۲</sup> اما بهبودی معتقدند که شیخ طوسی نام او را در باب «من لم یرو عنهم» آورده و بر این اساس که ابوسمینه کذاب و محمد بن عیسی یقطینی کذاب از روات اویند، وی را تضعیف کرده است و در ادامه می گوید اگر می بینیم در بعضی کتب حسن بن علی و شاء و موسی بن قاسم بجلی و علی بن اسباط بن سالم از او روایت کرده اند، منظور ایشان نیست و در واقع بین اسم احمد بن عمر حلال و احمد بن - عمر حلبی از آل ابی شعبه که ثقة هستند، تخلیط صورت گرفته است.<sup>۳</sup> بنابراین بهبودی بر این مبنا ایشان را تضعیف نموده است، در حالی که توسط رجالیان متقدم توثیق شده است.

### نتیجه گیری

محمد باقر بهبودی محدث شیعی و ایرانی معاصر چنانکه خود می گوید پس از ۳۰ سال مطالعه مداوم برای شناخت علل حدیث، به انتخاب احادیث صحیح کتب اربعه بر اساس سیره ی قدما - یعنی توجه توأمان به شرایط اعتبار در متن و سند - پرداخته و حاصل این مطالعه را در سه کتاب صحیح الکافی، صحیح التهذیب و صحیح الفقیه باز نموده است. در این میان اثر نخست یعنی صحیح کافی بیش از دیگر آثار وی مشهور و بحث برانگیز شده، و از جهات مختلفی مورد توجه و ارزیابی قرار گرفت. ما در این مقاله سعی نمودیم که به بررسی مبانی و اندیشه های حدیث شناسختی بهبودی در کتاب صحیح الکافی با تکیه بر کتاب علل الحدیث پردازیم و از راه کاوش در آثار ایشان، ویژگی ها و روش های حدیث شناسختی این محدث بزرگوار را بررسی و ارائه نماییم. با توجه به عملکرد بهبودی در کتاب علل الحدیث به نظر می رسد که ایشان در ارزیابی احادیث بر ملاک هایی همچون: صحت ظاهری سند، تکرار حدیث با الفاظ مشابه، شهرت حدیث، کثرت فتوا یا کثرت راویان اعتماد نکرده و با کنکاش بسیار به دنبال هر گونه اطلاعاتی است که ممکن است از درون متن و سند، یا خارج از آن دو نظیر کتب رجالی، کتب تاریخی و یا احادیث دیگر در خصوص راویان، طرق روایت آنان، فضای صدور حدیث، فرهنگ و واقعیات تاریخی و ... به دست آید. وی سپس به تجزیه و تحلیل دقیق این اطلاعات پرداخته و در صورت لزوم، مقابله احادیث را در دستور کار قرار می دهد، وی همچنین برای تکمیل ارزیابی خود به بررسی حدیث با استفاده از معیارهای نقد متن احادیث نظیر عدم مخالفت محتوای حدیث با قرآن، احادیث صحیح، مذهب اهل بیت و اجماع، سازگاری با واقعیات تاریخی زمان صدور، عدم همسویی با منافع شخصی راوی و نیز هماهنگی سیاقی متن حدیث می پردازد و با بهره گرفتن از راهکارهای مذکور به بسیاری از

<sup>۱</sup>. بهبودی، ۱۳۶۲: ۱۲۶

<sup>۲</sup>. طوسی، ۱۴۱۵ق: ش ۵۲۱۳

<sup>۳</sup>. بهبودی، ۱۳۶۲، ص ۱۶۶

علل پنهان احادیث به ظاهر صحیح پی می برد. با توجه به عملکرد بهبودی در کتاب علل الحدیث می توان گفت روش مطالعات حدیثی ایشان شامل دو حوزه سندی و متنی می باشد برخی روش های مطالعات حدیثی در حوزه سند عبارتند از: روش مقابله، توجه به طبقه روات، توجه به سال تولد و وفات راویان، توجه به روش صاحبان کتب اربعه در تدوین جوامع حدیثی، بررسی های مربوط به منبع شناسی رجالی، تکیه بر آرا رجالی ابن غضائری. برخی روش های مطالعات حدیثی در حوزه متنی نیز عبارتند از: مقایسه محتوای حدیث با قرآن، سنت صحیح و مسلمات مذهب، مقایسه با اجماع، توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زمان صدور، مقایسه احادیث مشابه، توجه به ادبیات و نحوه سخن ائمه (معارضین سخن).

### فهرست منابع

- ابن الغضائری، احمد بن الحسین، (۱۴۲۲) **رجال**، قم: دار الحدیث.
- ابن منظور، محم بن مکرم، (۱۴۱۴)، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، چ سوم.
- بحر العلوم، محمد مهدی، (۱۳۶۳) الفوائد الرجالیه، منشورات مکتبه الصادق.
- بروجردی، آقا حسین، (۱۳۸۶)، **جامع احادیث الشیعہ**، ج ۲۳، تهران، چ اول، فرهنگ سبز.
- بهبودی، محمد باقر (۱۳۶۲). **معرفه الحدیث**. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ، (۱۳۷۸ش)، **علل الحدیث**، تهران، انتشارات سنا.
- ، (۱۳۶۳ش)، **گزیده کافی**، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ، (۱۳۸۱ش)، **مصاحبه با حدیث اندیشه**، ش ۱.
- ، (۱۳۹۰ش)، **فهرست مولفی الشیعہ**. علمی و پژوهشی حدیث پژوهی ۱۲، پاییز و زمستان ۹۳.
- ، (۱۴۰۱ق)، **صحیح الکافی**، بیروت، الدار الاسلامیه.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۸۷) **جرح و تعدیل**، دانشنامه بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، **کتاب الطهاره**، قم: چاپخانه العلمیه.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۴ق)، **اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرايه**، قم: مؤسسه الامام الصادق، چ سوم، موسسه نشر اسلامی.
- سرشار، مژگان، (۱۳۸۸)، **محمد باقر بهبودی و نقد و گزینش روایات**، مجله ماه دین، ۱۳۹.
- شیرازی، محمد جواد، (۱۳۶۶ش)، **نگاهی به گفتگو در عرصه روایت و درایت حدیث**، کیهان فرهنگی، ش ۳۴.
- صاحب بن عباد، (۱۴۱۴)، **المحیط فی اللغة**، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، بیروت، چ اول، عالم الکتاب.
- صبحی، صالح، (۱۳۷۶)، **علوم حدیث و اصطلاحات آن**، تحقیق: عادل، نادر علی، قم، چ اول، اسوه.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین، (۱۴۰۴ق)، **من لا یحضره الفقیه**، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه.



طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الأحكام**، تحقیق: حسن موسوی، تهران، چ چهارم، دارالکتب-الإسلامیه .

-----، (۱۴۱۵ق)، **الرجال**، به کوشش جواد قیومی، قم، جامعه مدرسین .

-----، (۱۳۹۰ش)، **الاستبصار، تحقیق**: خراسان، حسن، الموسوی، تهران، چ اول، دارالکتب-الإسلامیه .

عاملی، زین الدین بن علی بن احمد، (۱۴۰۸)، **الرعاية فی علم الدرايه**، قم، چ اول، مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی .

فراهیدی، خلیل بن احمد (1410) **کتاب العین**، قم: انتشارات هجرت .

کشی، محمد بن عمر، (۱۳۴۸)، **رجال**، مشهد: دانشگاه .

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ ق)، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، تحقیق علی اکبر غفاری و اخوندی، چ چهارم .

مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، (۱۳۶۹ش)، **مقیاس الهدایه**، تلخیص علی اکبر غفاری، تهران، دانشگاه امام-صادق (ع) .

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳)، **مرآة العقول**، ج ۱۹، تهران: دارالکتب الاسلامیه .

مدیرشانه چی، کاظم، (۱۳۸۴) **دراية الحديث**، چ یازدهم، تهران، دفتر انتشارات اسلامی .

مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸) **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .

معارف، مجید، (۱۳۷۶)، **مقایسه دیدگاه های رجالی نجاشی و شیخ طوسی**، مقالات و بررسیها، ش ۶۲ .

-----، (1387)، **شناخت حدیث**، تهران: مؤسسه فرهنگی نباء .

نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۰۷ش)، **رجال**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین .